



لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

التدبير
ما الرزق

سخن سردبیر...

کار جهان در گردش است، اما در حسرت شما...
چشم‌ها در حسرت دیدن جملتان، روزها را برای رسیدن به روز بعدی پلک
برهم می‌زنند...
نفس‌های مُمدّ حیات ما، فرو و برمی‌آیند اما در حسرت نفس کشیدن در هوای
شما...
جان‌های ناقابل ما چه ارزشی دارد وقتی آن روز که فریاد (أنا المهدی)، جهان
را در آغوش می‌گیرد نباشیم...؟
به گمانم آن روز که به عهد الس (بلی) گفتیم، پاداش بندگی مان را در عصر
ظهور شما نشان‌مان دادند...
و گرنه این دنیای بی‌ارزش، چه ارزش زندگی دارد بدون انتظار یار...
با شما هر چیزی معنای جدید می‌یابد، حتی کلمه‌ها...
مثلاً کلمه‌ی (انتظار) همیشه معنای غم در دل دارد، اما انتظار برای شما جزئی
از ایمان است و شوق...
آقا جان...
وقتی شما که تنها دلیل جهان هستید، در کنارمان نباشید؛ هیچ معلولی در جای
خود قرار نمی‌گیرد
و زندگی زنگار گرفته‌ی ما، چیزی جز غرق شدن در غوغای عبث نیست...
تنها معجزه‌ی این روزهایمان، زمزمه‌ی این است که:

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ...

«آشتی»

گوشه‌ای از کتاب آشتی با امام عصر ارواحنا فداه، نوشته‌ی دکتر علی هراتیان

می‌شد و دشمنان شما را ریشه کن می‌کردند. هم‌چنین فرمودند: «اگر این گونه نبود که ما دوستدار اصلاح کار شما ایم و به شما نظر لطف و رحم داریم، در غیر این صورت از توجه و التفات به شما، به خاطر کارهای ناپسندتان، احتراز می‌کردیم».

در زیارت آل یاسین، پس از ادای سوگند به ولایت و امامت یازده امام، گواهی به ولایت و امامت امام عصر می‌دهیم، زیرا در این زمان، صراط مستقیم، شاهراه سعادت، کشتی نجات، امین خداوند، جانشین و خلیفه‌ی خداوند در زمین، مخزن علوم الهی، حجت خدا، حبل‌الله المتین، امام زمین، صاحب الزمان، وجود مقدس حضرت بقیة الله الاعظم است. بعد از عملی نشدن رهنمود امام زمان در غیبت صغری، در نامه‌ای به شیخ مفید فرمودند که هم‌وغم، اندوه و حزن و آلام آن حضرت بیش‌تر شده‌است. احساس تنهایی و مظلومیت و غریب و از سوی دیگر، غفلت و بی‌اعتنایی و عدم معرفت شیعه به خواسته‌های آن حجت خداوندی...

پس بیاییم با ترك گناه و دعا برای ظهور آن حضرت، قفل زندان غیبت را بشکنیم و مولای عزیزتر از جان خود را از این گرفتاری رها سازیم.

هل من معین؟ نکنند ندای امام زمانمان در کربلای غریب و غیبت او، بی لیبیک بماند!

ما از غیبت سخن می‌گوییم، ظاهراً، ظهور را به انتظار نشستیم؛ ولی آنان که بریده از خاک، بر فراز ابرهای تعلقات در پرواز و حرکت‌اند، خورشید را نظاره می‌کنند.

اما هنوز فرصتی برای ما جاماندگان باقی است. باید برای یاری امام عصر و قرار گرفتن در ردیف انصار آن حضرت شتاب کنیم و با امام‌زمان خود آشتی کنیم...

«هر کس بمیرد و امام‌زمان خویش را نشناسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته‌است».

معرفت امام عصر دانستن نام و نسب و تاریخ و مکان ولادت ایشان نیست، همگان مکلفند به قدر وسع، در مسیر معرفت و محبت و اطاعت از امام خود گام بردارند.

در این روزگار، به برکت وجود صاحب‌الزمان، تمام خلایق روزی می‌خورند و آسمان و زمین پایرجاست؛ امیرالمؤمنین می‌فرمایند: «اگر زمین یک ساعت از حجت خدا خالی باشد، ساکنان خود را فرو می‌برد».

حضرت در کلامی به شیخ مفید می‌فرمایند: «ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم. اگر چنین نبود، محنت و گرفتاری بر شما نازل

«مسافری از هند»

مکرمه و به‌طور خاص بین رکن و مقام است. در اینجا تنها به ذکر نمونه‌هایی از این احادیث می‌پردازیم: امام باقر فرمودند: «چون حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در مکه قیام کند و آهنگ کوفه کند، منادی فریاد کشد که کسی خوردنی و آشامیدنی همراه خود بر ندارد و سنگ حضرت موسی که یک بار شتر وزن دارد، با آن حضرت است، در هر منزلی که فرود آید، چشمه آبی از آن بجوشد که گرسنه را سیر و تشنه را سیراب کند. هم‌چنین در حدیثی دیگر می‌فرمایند: «گویی قائم (عج) را در روز عاشورایی که روز شنبه است، می‌بینم در حالی که بین رکن و مقام ایستاده است و جبرئیل در کنار او ندا می‌دهد: بیعت از آن خداست، پس زمین را پر از عدل و داد می‌کند».

یکی از شبهاتی که مطرح شده، این است که به اعتقاد شیعه، ظهور امام دوازدهم از هند خواهد بود! در حالی که انتخاب هند برای مکان ظهور هیچ مناسبتی ندارد.

پاسخ: از آنجا که تاریخ و زمان ظهور حضرت حجت از مسائلی است که در آینده رخ خواهد داد، طبیعتاً تعیین هر یک از این مسائل، پیشگویی از آینده محسوب می‌گردد و یگانه راه معرفت آن نیز مراجعه به احادیث اهل بیت عصمت و طهارت است. احادیث، نه تنها تاریخ ظهور آن حضرت را تعیین نکرده، بلکه وقایع (مشخص کنندگان وقت ظهور) آن را هم تکذیب کرده و تعیین زمان ظهور را امر مکروهی شمرده است؛ اما در زمینه مکان ظهور احادیث بسیار زیادی به ما رسیده که مضمون همه‌ی آنها، ظهور حضرت از مکه



«حضرت یار از نگاه کتاب مبین»

برگرفته از سایت ویکی فقه، مقاله‌ی (امام زمان در قرآن)

حجت غایب نیست. دلیل این معنی آیه ۲۰ سوره یونس است: «قُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ»
ای پیغمبر بگو غیب مال خداست پس منتظر باشید که من نیز با شما از منتظرانم.

که این آیه به فضیلت انتظار اشاره می‌کند. در این آیه گروهی دیگر از مفسران حضرت مهدی را از مصادیق «يَوْمُنُونَ بِالْغَيْبِ» دانسته و یکی از ویژگی‌های آن حضرت را (غایب) قلمداد کرده‌اند.

۳) ذخیره‌ی خدا (آیه ۸۶ سوره هود)
«بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ»
اگر مومن باشید، باقی‌مانده خدا برای شما بهتر است و من بر شما نگاهبان نیستم.

بر اساس روایات معتبر، این آیه با وجود نازنین حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف تطبیق گشته است. امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشريف فرمودند: «قَائِمٌ مِّنْكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». می‌آورند همین آیه است: «بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». سپس می‌فرمایند: من «بَقِيَّةَ اللَّهِ» هستم و حجت خدا و خلیفه او بر شما می‌باشم. آنگاه هیچ کس بر او سلام نمی‌کند مگر اینکه می‌گوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ».

درباره تعبیر «بَقِيَّةَ اللَّهِ» (ذخیره خدا) باید گفت که این عنوان به شخصی اطلاق می‌گردد که خدا به منظور خاصی او را نگهداری کرده است.

احمد بن اسحاق قمی (که از اصحاب و یاران امام عسکری عجل الله تعالی فرجه الشريف بود) نقل می‌کند که به حضور امام عسکری عجل الله تعالی فرجه الشريف رسیده بود، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف که حدود یک سال سن داشتند، وارد می‌شوند و با زبان عربی فیهیج می‌گویند: «أَنَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ الْمُنْتَمِمْ مِنْ أَعْدَائِهِ». یعنی من ذخیره الهی در سرزمین او و انتقام‌گیرنده از دشمنان اویم.

احادیث و روایات بسیاری در خصوص حضرت صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشريف آمده است. از نحوه تولد، زندگی ایشان، دوران غیبت صغری و کبری، ظهور و علائم آن حکومت و... اما در این میان با توجه به سوره‌های قرآن کریم می‌توان آیاتی را دید که به اثبات و حقایق و قطعی بودن ظهور ایشان اشاره دارد. در این مقاله سعی خواهد شد تا به بررسی سوره‌های قرآن کریم و نشانه‌های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در آیات شریفه بپردازیم.

۱) حکومت عدل توسط امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف (آیه ۸۱ سوره الإسراء)
«وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»

بگو: حق فرارسید و باطل نابود گشت، (چرا که) باطل نابودشدنی است.

آرزوی بشر از دیرباز اجرای عدالت و برچیده شدن بساط ظلم و بی‌عدالتی بوده است، قرآن کریم نیز نویدبخش تحقق این آرزوی دیرین بوده و فرارسیدن چنین روزی را مژده داده است که در سرتاسر جهان حق حکومت کند و باطل نابود گردد. بر اساس روایات معتبر و فراوان، این پیروزی نهایی و حکم‌فرمای عدالت در سرتاسر گیتی مربوط به قیام حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف می‌شود. این وعده الهی که پیروزی نهایی حق در زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف به‌طور کامل محقق خواهد شد، بدان معنا نیست که در زمان‌های قبل از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف هیچ نوع پیروزی نصیب حق نمی‌گردد؛ به عنوان نمونه رسول خدا صلی الله علیه و آله در هنگام فتح مکه پس از ورود به مسجد الحرام در حالی که بت‌ها را یکی پس از دیگری سرنگون می‌ساختند، آیه «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» را تلاوت می‌فرمودند.

آری این يك سنت الهی است که اگر اهل حق بر خدا توکل کنند و در برابر باطل و ظلم ایستادگی نمایند، خداوند آنها را پشتیبانی می‌کند و به پیروزی و رستگاری نایل می‌گرداند. همچنان که ملت شهیدپرور ایران توانستند با رهبری حضرت امام خمینی (قدس سره) حکومت ستم‌شاهی را سرنگون و حکومت الله را برپا نمایند.

۲) مومنین به غیب (آیه ۳ سوره بقره)
«الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»
آنان که به غیب، ایمان می‌آورند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند.

تفسیر در رابطه با این آیه شریفه بسیار است. شیخ صدوق در کتاب کمال‌الدین از حضرت امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشريف نقل می‌کند که فرمودند: «هر کس اقرار به ظهور امام زمان کند، ایمان به غیب آورده است».

(متقین) در این آیه شریفه شیعیان علی هستند و (غیب)



@NGO_SH_ASHTIANI



@MASIHADAM.IR



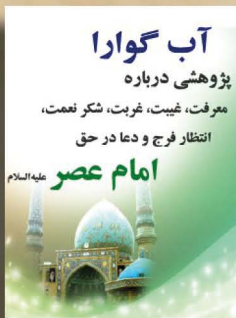
APARAT.IR/MASIHADAM

«معرفی کتاب»

است که به برکتش زنده‌ایم و بر سر سفره‌اش روزی می‌خوریم، اما چون او را نمی‌بینیم، از معرفت حق و حقوقش چنانکه شایسته است محروم هستیم؛ لذا درد فراغش را حس نمی‌کنیم و از هجران او در قلب ما سوز و گدازی نداریم.

با این همه، حیات ما و همه دارایی ما به او وابسته است؛ اگر ما از او بیاد نکنیم، او لحظه‌ای ما را از یاد نمی‌برد.

پس از معرفت خدا و رسولش (ص)، وظیفه‌ای مهم‌تر و شریف‌تر از معرفت او نداریم، به خصوص در زمان غیبتش که متأسفانه بر یاد او نیستیم و بسیاری از یادکنندگان هم معرفت صحیحی نسبت به او ندارند.



اینجا هست که غربت واقعی امام مهربان خود را وجدان می‌کنیم و در این زمان به خود می‌آییم و می‌پرسیم آیا من واقعا جز منتظران ایشان هستم؟ آیا ویژگی‌های منتظر فرج را در خود می‌یابم...؟

کتاب آب گوارا، اثر دکتر محمد بنی‌هاشمی، پژوهشی است درباره معرفت، غیبت، غربت، شکر نعمت، انتظار فرج و دعا در حق امام عصر (عج).

در هر بخش، مباحث با استناد به آیات قرآن و احادیث امامان معصوم تبیین و اثبات شده است. حال بخشی از کتاب را با هم می‌خوانیم:

هرچه تشنه‌تر باشی، قدر آب گوارا را بیشتر می‌دانی؛ در آن حال با همه وجود درمیابی که هیچ چیز جای آن را نمی‌گیرد. واقعیت این است که حیات همه‌ی ما مرهون آب است؛ قرآن کریم نیز می‌فرماید: «جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيًّا».

هرچند که بسیاری از درك این حقیقت محروم هستند، اما آنها همه چیز خود را مدیون آب هستند. لزوم شکر نعمت الهی اقتضا می‌کند که این آب حیات را بهتر و بیشتر بشناسیم و چگونگی شکرگزاری آن را بیاموزیم.

در گام بعد به فقدان ماء معین و آثار و لوازم آن متذکر شویم و بدانیم که در فرض آشکار نبودن آب جاری روی زمین، چگونه می‌توانیم به آب گوارا دسترسی پیدا کنیم تا از تشنگی به هلاکت نرسیم.

اینها که گفته شد وصف امام حی و حاضر دوران

«دل نوشته»

انسان کم کم باور می‌کند نقش خیلی مهمی می‌تونه داشته باشه... تو حال خوبی که می‌تونه برای تک تک افراد ایجاد کنه، تو متعهد بودن و انجام دادن درست هر کار، تو فراموش نکردن نعمت‌هایی که داره و کمک به افرادی که اون رو ندارند...

برای من جهادی يك سفر، يك اردو یا یه درمان نیست؛ جهادی یه سبک زندگیه...

خیلی از حرف‌ها هست که می‌شنویم اما خیلی زود یادمون میره، مثل تعهد داشتن توی کار، مسئولیت پذیری نسبت به هم نوع هامون، مشکلات افراد محروم و خیلی چیزای دیگه...

جهادی باعث می‌شه انسان از عمق وجود، این حس‌ها رو لمس کنه و بفهمه...

از اون دست فهمیدن‌ها که هیچ وقت از یاد نمیره...

انسان از یه جایی به بعد متوجه می‌شه خیلی از دغدغه‌های روزمره زندگی‌ش بی‌معنیه، خیلی از غصه‌ها بی‌دلیله.